

## مرکز ادبیات جهانی؛ دریچه‌ای به سوی گفتگو با جهان

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۵/۲۰

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۶/۱۷

کد مقاله: ۷۳۷۷۶

زهرا معینی‌منش<sup>۱\*</sup>، سیمون آیوازیان<sup>۲</sup>

### چکیده

در دنیای امروز با وجود پیشرفت روزافزون رسانه‌های الکترونیکی، ادبیات هنوز هم از اهمیت بسیاری برخوردار است. در این میان ادبیات جهانی با ماهیت همه‌جانبه، چندوجهی و میان‌رشته‌ای آن بستر بسیاری از تحقیقات ادبی را فراهم نموده است. در این راستا نیاز به مجموعه‌ای احساس می‌شود که امکان تبادل افکار و تعامل را در سطحی جهانی فراهم کند. مقاله‌ی حاضر ابتدا با مروری بر ماهیت ادبیات جهانی از طریق نظریه‌ها به اهمیت و اهداف آن می‌پردازد. در پایان نیز به نقش ادبیات جهانی در گفتگوی تمدن‌ها اشاره می‌شود. تحقیق از نوع توصیفی تحلیلی و روش انجام آن کتابخانه‌ای و میدانی است. بر پایه‌ی نتایج تحقیق می‌توان مدعی شد ادبیات جهانی نه تنها در تقابل با ادبیات ملی است بلکه می‌کوشد با ایجاد شناخت از ادبیات کشورهای مختلف، راهی برای تعامل متقابل میان ملت‌های گوناگون با زبان‌های متفاوت بگشاید. از این رو طرح فضایی که به این موضوع بپردازد، پیشنهاد می‌شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

واژگان کلیدی: ادبیات جهانی، ادبیات، گفتگو، گوتته، جهان

۱- دانش آموخته کارشناسی ارشد مهندسی معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه خاتم، تهران، ایران  
(zahramoeeni992@yahoo.com)

۲- استاد معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران

## ۱- مقدمه

شکل‌گیری دهکده‌ی جهانی و گسترش ارتباطات در دهه‌های اخیر به نزدیکی هرچه بیشتر فرهنگ‌ها انجامیده است. «در قرن بیست و یکم وقتی صحبت از ادبیات است دیگر حوزه‌ی پژوهش به ادبیات اروپا یا غرب یا هیچ منطقه‌ی خاصی محدود نمی‌شود. امروزه «ادبیات جهان» از مرزهای جغرافیایی و سیاسی فراتر رفته و شامل ادبیات همه‌ی زبان‌ها و فرهنگ‌ها و ملل مختلف است» (انوشیروانی، ۱۳۹۲: ۱۷۳). ادبیات و خصوصاً ادبیات جهان امکان‌آشنایی با سایر فرهنگ‌ها و اندیشه‌ها را فراهم می‌کند که مهم‌ترین فایده‌ی آن ایجاد ارتباطات عاطفی، درک متقابل، همدردی و گفتگوی میان تمدن‌هاست.

دمراش<sup>۱</sup> نظریه‌پرداز و مؤلف کتاب شش جلدی مجموعه‌ی ادبیات جهان معتقد است «در حال حاضر ادبیات وارد فضایی چند-رسانه‌ای شده» (۲۰۱۱: ۱۷۲). در واقع ادبیات به شکلی که تاکنون وجود داشته دیگر عمر خود را کرده است. بسیاری از انواع ادبی برای خوانش انفرادی نیستند. ادبیات همواره جزئی از جهان اجتماعی بوده. کمالینکه در گذشته در امپراطوری تانگ شاعران گرد هم می‌آمدند یا شعر کاربرد هدیه یا احوالپرسی داشت. به تعبیر دیگر شاعری بیش از یک احساس لذت زیبایی‌شناسانه‌ی محض، رسانه-ای برای تعامل و تبادل اجتماعی بود (همان، ۲۰۱۱).

از سویی دیگر فضاهایی که در حال حاضر به بحث ادبیات می‌پردازند فضاهایی زنده و پویا نیستند. برنامه‌ها و فعالیت‌ها پراکنده و بی‌رمق برگزار می‌شوند و اتفاق خاصی رقم نمی‌خورد چون فعالیت‌های ادبی متمرکز نیستند. (سالاروند، گفتگوی حضوری: ۱۳۹۸) فرهنگسراهایی نظیر ارسباران و حتی نیاوران مجموعه‌هایی هستند که به ادبیات نیز در کنار دیگر هنرها می‌پردازند. اما مجموعه‌ای که صرف ادبیات باشد در حال حاضر وجود ندارد. این مسئله بارها در همایش‌های مختلف مورد مطالبه قرار گرفته اما تاکنون بودجه‌ای به این مسئله اختصاص داده نشده است. از آن جایی که ادبیات هر ملتی زیربنای اصلی فرهنگی آن کشور به شمار می‌رود، شایسته است که به این موضوع به طور اختصاصی‌تر پرداخته شود. در این میان ادبیات جهانی با نگاه گسترده‌ای که دارد و گرایش‌های کثرت‌گرایانه‌اش می‌تواند دغدغه‌ای برای طراحی فضا باشد. مجموعه‌ای که بناست فضایی برای تبادل آرای علاقه‌مندان و دانشجویان ادبی فراهم کند تا بتوانند در این مکان به تعامل پرداخته، مطالعه کنند؛ ادبیات جهان را مورد بررسی قرار داده و به پژوهش‌های ادبی بپردازند.

این تحقیق درصدد است به بحث و بررسی درباره‌ی مفهوم ادبیات جهانی و اهمیت و جایگاه آن در گفتگوی تمدن‌ها بپردازد.

## ۲- پیشینه‌ی پژوهش

گوته<sup>۲</sup> از نخستین کسانی بود که مفهوم ادبیات جهانی را در سال ۱۸۲۷ مطرح کرد. (کوربینو، ۲۰۰۴: ۱۹). او این واژه را در گفت‌وگو هایش با اکرمان-دوست و منشی‌اش- به کار برد. مجموعه‌ی این گفت‌وگوها در کتابی با عنوان گفت‌وگو‌هایی با گوته به زبان آلمانی منتشر شده است (فیروزآبادی، ۱۳۸۸). البته پیش از گوته اندیشمندان دیگری نیز مسئله‌ی ادبیات جهانی را مطرح نموده بودند. به این ترتیب بنیان‌های اولیه‌ی این مفهوم را شکل دادند.

دیوید دمراش نظریه‌پرداز و مؤلف کتاب شش جلدی مجموعه‌ی ادبیات جهان لانگمن، از نظریه‌پردازان معاصر ادبی است. او به واسطه‌ی مطالعات گسترده‌اش در زمینه‌ی ادبیات جهان اطلاعات وسیعی در زمینه‌ی فرهنگ‌های مختلف دارد. این نظریه‌پرداز ادبی در کتاب «ادبیات جهانی چیست؟» به تفصیل به مفهوم ادبیات جهانی می‌پردازد. فرانسوا یوست نشانه‌شناس ادبی و اهل فرانسه، یکی دیگر از کسانی است که مقالات قابل توجهی در این زمینه دارد. از آن جمله می‌توان به «مفهوم ادبیات جهان» اشاره کرد.

در پژوهش‌های انجام‌شده رویکردهای متفاوتی نسبت به تعریف ادبیات جهانی وجود دارد. برای همین هم تعریف واحدی از این واژه در دسترس نیست. نتایج این پژوهش‌ها نشان می‌دهد باید ادبیات را از این دید مطالعه کرد و از سطح یک کشور فراتر رفت. چرا که به نظر می‌رسد از این طریق ماندگاری بیشتری خواهد داشت. علاوه بر این، به زعم دمراش امروزه ادبیات وارد مرحله‌ی جدیدی شده است. به بیانی دیگر ادبیات جهان بار دیگر در قرن بیست و یکم اهمیت یافته است. بنا بر نظر دمراش مسائلی که ادبیات جهانی را شامل می‌شوند باید از جنس مسائلی باشند که مردم جهان را به هم پیوند زده و به هم نزدیک می‌کند. مقاله‌ی «ادبیات جهان در دانشگاه هاروارد» به معرفی مؤسسه‌ی مطالعات ادبیات جهان<sup>۳</sup> ابتکار دیوید دمراش می‌پردازد. این مرکز در دانشگاه لیدز<sup>۴</sup> از سال ۲۰۱۴ تأسیس شده و در نظر دارد مطالعات ادبی سراسر جهان را ارتقا بخشد. جستجوی تضارب میان

1 Damrosch, David

2 Goethe

3 IWL

4 Leeds

مطالعات ادبی، فرهنگی، تاریخ، جامعه‌شناسی، نمایش، ترجمه و سایر گونه‌های هنری از جمله موسیقی و هنرهای شکلی از دیگر اهداف این مؤسسه است.

این مؤسسه، ادبیات جهانی را رشته‌ای ثابت نمی‌داند و طیف وسیعی از پژوهش‌ها و مهارت‌های آموزشی را در بر می‌گیرد. تمرکز این مجموعه بر قابلیت فهم یک مفهوم به شیوه‌های متفاوت است و از دیدگاهی تکثرگرا و چندمرکزی درباره ادبیات جهان بحث می‌کند که جنبه‌های گوناگون و گاه متضاد را در نظر می‌گیرد. اعضای این مرکز ادبیات ادوار گوناگون و متنوع سراسر جهان، از ادبیات کهن تا قرون وسطی و در نهایت ادبیات معاصر، را مورد بررسی و پژوهش قرار می‌دهند.

انستیتو ادبیات جهانی با هدف کاوش در مطالعات ادبی در دنیای جهانی‌شده به وجود آمده است. همزمان با ورود به قرن بیست و یکم، درک ما از «ادبیات جهان» از معیارهای کلاسیک شاهکارهای اروپایی فراتر رفته و به یک پرسش فراگیر درباره‌ی تنوع فرهنگ‌های ادبی جهان و بازتاب‌ها و تجزیه‌های متمایز نیروهای سیاسی، اقتصادی، و مذهبی آن‌ها که جهان را پیش می‌رانند، پیوسته است. در حال حاضر بسیاری از مردم علاقه‌مند به برگزاری دوره‌های آموزش در ادبیات جهان و پژوهش‌هایی با چارچوب ادبیات جهان هستند. اما تعداد کمی از برنامه‌های مربوط به ادبیات تطبیقی یا حتی ادبیات جهان روش‌هایی برای تربیت محقق و مدرس در این زمینه‌ها بر مبنایی وسیع ایجاد کرده‌اند. اما انستیتوی ادبیات جهانی هاروارد برآن است تا با آموزش ادبیات جهان از دیدگاه جهانی بستر لازم را فراهم سازد. (انستیتوی هاروارد: بی‌تا)

مقاله‌ی «فرارشته‌ای، گزارشی از انجمن ادبیات جهانی و مؤسسه‌ی ادبیات جهانی» به بررسی نظریه‌های موجود درباره‌ی ادبیات جهانی و معرفی مختصری از مؤسسه ادبیات جهانی می‌پردازد. این مقاله اشاره می‌کند که وجود چنین مؤسسه‌ای محققان پیشکسوت را با یکدیگر آشنا کرده و فرصت تجربه‌ی جهان‌وطنی را به آن‌ها می‌دهد. در حقیقت مقاله‌ی مذکور «در پی یافتن معانی و روابط پیچیده ادبیات در جوامع مختلف، فرهنگ‌های مختلف، و پیدا کردن اشتراک‌ها و خطوط یکسان در آن-هاست» (امینیان طوسی، ۱۳۹۵: ۸۱).

### ۳- مفهوم ادبیات

ادبیات به لحاظ لغوی جمع مکسر ادبیه، منسوب به واژه‌ی ادب است. ادب واژه‌ای غیر فارسی به معنای فرهنگ می‌باشد. گذشته از معنی لغوی، ارسطو ۴۰۰ سال قبل از میلاد مسیح در رساله ناتمام «فن شعر» ادبیات را هنر تقلید از طبیعت در بیانی تازه و پیامی برانگیزاننده دانسته است. قبل از او استادش افلاطون ادبیات را به عنوان عاملی مؤثر برای ارتقای تمدن قلمداد کرده. (آزرمی، ۱۳۵۵). از نظر زرینکوب (۱۳۵۴) ادب یا ادبیات عبارت است از آن گونه سخنی که از حد سخنان عادی، برتر و والاتر بوده و مردم، آن سخنان را در میان خود، ضبط و نقل کرده و از خواندن و شنیدن آن‌ها دگرگون گشته و احساس غم، شادی یا لذت کرده‌اند. صبور (۱۳۷۸) ادبیات را انعکاس اندیشه‌ها و عواطف روح انسان‌ها می‌داند و آن‌چه که بیانگر چگونگی رویدادهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ملت‌ها در هر زمان باشد. در واقع از نظر او «ادبیات گزارشگر روح مردم زمانه است.» (صبور، ۱۳۷۸: ۱۳). دمراش (۱۳۹۷) در تعریف ادبیات اینگونه می‌نویسد: «در متداول‌ترین کاربرد آن، به معنای هر چیزی است که «مکتوب می‌شود»؛ در حقیقت، هرگونه‌ای از متن. در معنای فرهنگی آن، «ادبیات» پیش از هر چیز به شعرها، نمایش‌نامه‌ها و داستان‌ها اشاره دارد، یعنی آثاری مبتنی بر تخیل خلاق که به زبانی فاخر و لذت بخش نوشته شده‌اند.» (دمراش: ۲۱).

چنانکه گذشت اندیشمندان تعاریف متعددی از ادبیات ارائه نموده‌اند، اما به عنوان جمع‌بندی از تعاریف ارائه شده می‌توان این-گونه استنباط کرد که هرگونه آثار مکتوب و غیرمکتوب ملت‌ها که دارای ذوق هنری و عاطفی است و به نوعی تأثیرگذار است ادبیات نامیده می‌شود. وجه مشترک همه‌ی این آثار این است که به دغدغه‌های مشترک بشری دلالت دارد. اگر این تعریف را بپذیریم آن‌گاه می‌توانیم از مفهومی دیگر سخن بگوییم که ادبیات جهانی است. به راستی ادبیات جهانی چیست؟ آن چه در ادامه می‌آید بررسی مفهوم ادبیات از دیدی گسترده‌تر و جهانی است.

### ۴- ادبیات جهانی

نخستین چالش در ورود به بحث ادبیات جهانی، معانی گوناگونی است که از آن ارائه شده. چنانچه گفته شد ادبیات بازتاب اندیشه‌ها و دغدغه‌های هر ملتی است. ادبیات ملی نوعی از ادبیات است که در رابطه با قلمرو سیاسی و جغرافیایی معنا می‌یابد. برای مثال ادبیات ایتالیایی آثاری را شامل می‌شود که به این زبان پدید آمده‌اند. اما هنگامی که ادبیات از مرزهای ملی فراتر رفته و در سطح بین‌المللی مطرح شود، دیگر نمی‌توان آن را ادبیات ملی نامید بلکه اصطلاح «ادبیات جهانی» مطرح می‌شود. به عنوان

نمونه وقتی یک اثر سوییسی به آلمانی منتشر می‌شود پژوهش در این اثر در قلمرو آلمان صورت می‌پذیرد به این معنی که اثر ترجمه شده از مرزهای ملی فراتر رفته و در قلمرو جدیدی به نام ادبیات جهانی قرار می‌گیرد. (فیروزآبادی، ۱۳۸۸).

به این ترتیب ادبیات معنای تازه‌ای می‌یابد و از محدوده‌ی مرزهای یک کشور فراتر می‌رود. این جاست که پژوهشگر رشته‌ی ادبی می‌کوشد تا دید وسیعی داشته باشد و اثری برای خوانندگان جهانی بی‌آفریند (آزرمی، ۱۳۵۵). گوته، نویسنده، شاعر و اندیشمند آلمانی، از نخستین کسانی بود که مفهوم ادبیات جهانی را در سال ۱۸۲۷ مطرح کرد (کوریانو، ۲۰۰۴). او این واژه را در گفت‌وگو-هایش با اکرمان-دوست و منشی‌اش- به کار برد. مجموعه‌ی این گفت‌وگوها در کتابی با عنوان گفت‌وگوهایی با گوته به زبان آلمانی منتشر شده است (فیروزآبادی، ۱۳۸۸). گوته در بخشی از گفت‌وگوها می‌گوید: «پیوسته می‌بینم که شعر، بخشی از میراث مشترک جهانیان است و در همه‌جا و همه‌ی زمان‌ها به صدها و هزاران شکل انسانی بروز می‌یابد» (اکرمان، ۱۹۷۵: ۱۷۳). و ادامه می‌دهد: «دیگر زمان ادبیات ملی گذشته و نوبت ادبیات جهانی فرا رسیده است و هرکسی باید اکنون بکوشد تا بر سرعت این عصر بیفزاید.» (همان: ۱۷۴). این در حالی است که پیش از او «افرادی همچون شافتسبری<sup>۱</sup>، ولتر<sup>۲</sup> و لسینگ<sup>۳</sup> همواره در حوزه‌ی کنکاش‌های نقد ادبی خود، آثاری از زبان‌های مختلف را می‌گنجاندند؛ و بدین طریق، اساس شکل‌گرفتن ادبیات جهان را که ممکن بود بعدها بنیان نهاده شود، بنا نهادند» (یوست، ۱۳۸۷: ۳۹). اما به هر حال گوته از نخستین افرادی بود که اصطلاح «ادبیات جهانی» را به کار برد (همان: ۳۹).

نظریه‌پردازان مختلف، نظریه‌های گوناگونی را درباره‌ی مفهوم و ماهیت ادبیات جهانی ارائه داده‌اند. که برخی با یکدیگر همپوشانی دارند و برخی در تقابلند. عده‌ای معتقدند دگردیسی از وضعیت ملی به وضعیت جهانی از طریق ترجمه صورت می‌گیرد. برخی می‌گویند خالق آثار از همان ابتدای خلق اثر باید دیدی جهانی داشته باشد. برخی دیگر نیز مانند گوته معتقدند این خوانندگان یک اثر هستند که آن را جهانی می‌کنند، زیرا کتاب‌های مورد علاقه‌ی خود را بر اساس معیارهای زیبایی‌شناسانه و نه قلمرو جغرافیایی انتخاب می‌کنند. دمراش نظریه پرداز و مؤلف کتاب شش جلدی مجموعه‌ی ادبیات جهان لانگمن «ایده‌ی ادبیات جهان را برخاسته از اشتیاقی برای نزدیک شدن هر چه بیشتر و جامع تر با دگرگونی مکانی (بیگانه زدایی)» می‌داند (امینیان طوسی، ۱۳۹۵: ۸۶). او در مقاله‌ی ادبیات جهان چیست<sup>۴</sup> به تفصیل درباره‌ی نظریه‌ی ادبیات جهانی شرح می‌دهد.

احمد آزرمی معتقد است که موضوع در آثار ادبی یکی است چون احتیاجات فکری بشر یکی است. بنابراین تنها فرم‌ها و سبک‌های متفاوتی داریم و گرنه قالب یکی است. او بیان می‌دارد که هرچند هنرمند زاینده زمان و مکانی است که در آن زندگی می‌کند اما باید دیدی وسیع و جهانی داشته باشد. همانند هنرمندی که ممکن است با یک آلت موسیقی محلی عواطف خود را ابراز کند اما دید و هدف او جهانی باشد. از این روست که به نظر می‌رسد باید ادبیات را از این دید مطالعه کرد و از سطح یک کشور فراتر رفت. چرا که احتمالاً از این طریق ماندگاری بیشتری خواهد داشت (آزرمی، ۱۳۵۵). در واقع از این منظر هنرمند یا خالق اثر ادبی می‌کوشد تا میان محل زندگی خود و دنیای پیرامونش ارتباطی معنادار بیابد.

در مقابل، کلبِرگ (۱۳۹۴) رویکرد متفاوتی را بیان می‌کند. او دو بحث «خواندن ادبیات» و «خلق ادبیات» را تفکیک می‌کند و ادبیات جهانی را وضعیتی می‌داند که در آن مخاطب با علاقه نشان دادن به یک اثر آن را جهانی می‌کند. از این جهت این پدیده را تنها به تجربه‌ی خواندن مربوط می‌داند. چرا که نویسنده به دلیل احساسات انسانی، آن قدر درگیر محیط پیرامون خودش است که نمی‌تواند با هدف خلق یک اثر جهانی دست به قلم ببرد. او در ادامه می‌گوید: «در ادبیات مدرن نوشتن از فرد آغاز می‌شود و بعد قلمرو روایت وسعت پیدا می‌کند. در ادبیات با احساس‌های انسانی سر و کار داریم. به همین خاطر محیط پیرامون نویسنده اهمیت زیادی دارد. جوهر گفتنی‌های هر نویسنده‌ای با بیان احساس شخصیت‌ها درباره فرد، خانواده، شهر و سرزمین آغاز می‌شود» (کلبِرگ، ۱۳۹۴: ۶). در حقیقت کلبِرگ محیط پیرامون را مؤثرترین عامل در خلق اثر ادبی می‌داند و از این رو با کسانی چون آزرمی که معتقدند باید با هدفی جهانی اثری را خلق نمود مخالف است.

در نهایت دمراش درباره ادبیات جهان چنین می‌نویسد: «ادبیات جهان مجموعه‌ای از آثار بی‌شمار و غیر قابل فهم نیست، بلکه نوعی جریان و گونه‌ای از خوانش است، جریانی که قابلیت اجرا بر روی آثار به صورت جداگانه و همچنین بر روی بدنه‌ی یک اثر دارد، حالتی که گونه‌ای از خوانش را هم برای آثار کلاسیک و هم برای اکتشافات جدید فراهم می‌کند» (دمراش، ۲۰۰۳: ۵). تأکید روی کلمه‌ی جریان<sup>۵</sup> مرتبط با دومین نظریه‌ی مهم دمراش است: «ادبیات جهان نوشته‌ای است که به ترجمه نیاز دارد» (دمراش، ۲۰۰۳: ۲۸۱). او ادامه می‌دهد: ترجمه را می‌توان به عنوان گونه‌ی گسترش یافته از اصل متن در نظر گرفت، تظاهری واقعی از

1 Shaftsbury

2 Voltaire

3 Lessing

4 What is World Literature?

5 Circulation

تبادل فرهنگ و مرحله‌ای جدید از زندگی یک اثر، مرحله‌ای که طی آن اثر از خانه‌ی اولش به جهان وارد می‌شود.» چنین فرآیندی مانند این است که «جایی برای خود در جهان باز کنی.» (براون، ۲۰۱۱: ۲۴۹).

اکنون سؤالی که مطرح می‌شود این است که هدف از ادبیات جهانی چیست و پرداختن به آن چه ضرورتی دارد؟

#### ۴-۱- هدف ادبیات جهانی

گوته مفهوم ادبیات جهانی را در صحبت‌هایش این‌گونه بیان می‌کند: «اگر از ادبیات جهانی اروپایی یا عمومی شجاعانه سخن به میان می‌آوریم، به معنی آن نیست که ادبیات ملت‌های مختلف و آثار آنان را بشناسیم، زیرا چنین آشنایی وجود دارد و در گذشته نیز وجود داشته است و کم و بیش ادامه خواهد یافت. خیر! منظورم از این سخن آن است که ادیبان زنده و در حال فعالیت باید یکدیگر را بشناسند و با حسی از همدلی و علاقه بکوشند بر جوامع تأثیر بگذارند.» (گوته، ۱۹۶۰: ۳۹۲).

از این گفته می‌توان استنباط کرد که هدف ادبیات جهانی تنها آثار کلاسیک و ماندگاری آن‌ها نیست بلکه مدرن بودن از نشانه‌های ادبیات جهانی است. همچنین هدف دیگر ادبیات جهانی، درک متقابل و تأثیر بر جوامع است (فیروزآبادی، ۱۳۸۸، ص ۹۸). ادبیات جهانی نه تنها امکان آشنایی با احساسات و اندیشه‌ی ملت‌ها را فراهم می‌سازد بلکه تأثیرپذیری‌ها و تأثیرگذاری‌ها را نیز آشکار می‌کند. از این رهگذر مرزهای احساس و اندیشه آدمی را گسترش می‌بخشد. از طرفی بر خلاف دیدگاه عده‌ای «ادبیات جهانی به معنای یکسان‌سازی ادبیات جوامع نیست» (فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۱۰۲): «بلکه ورود به دنیای ادبیات و زبان‌های دیگر است.» (غنیمی هلال، ۱۳۷۳: ۱۳۷).

هم‌چنین با توجه به آن‌چه که گوته مطرح می‌کند ادبیات جهانی نه تنها در تقابل با ادبیات ملی است بلکه «دریچه‌ای برای معرفی ادبیات ملی به جهان» می‌گشاید. به این ترتیب از «یکسان‌سازی فرهنگ‌ها و ادبیات با اثرپذیری از ادبیات سلطه‌کاسته می‌شود.» (فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۱۰۳). چرا که «در عین حال که برای آثار خارجی ارزش قائل هستیم، نباید خودمان را اسیر آن‌ها کرده و بهتر است به عنوان مدل از آن‌ها استفاده کنیم» (دمراش ۲۰۰۳: ۱ و ۱۲).

ویژگی‌های ادبیات جهانی نیز از سخنان گوته قابل استخراج است. و آن‌ها عبارتند از این‌که: ادبیات جهانی، ادبیات روز است و عاملی برای درک و شناخت کشورهای دیگر و بشر دوستی (فیروزآبادی، ۱۳۸۸).

#### ۵- اهمیت پرداختن به ادبیات جهانی

##### ۵-۱- جایگاه ادبیات ایران در ادبیات جهانی

بنابر تقسیم‌بندی تمیم‌داری (۱۳۸۲) تمام آثار ادب پارسی را می‌توان به سه بخش شخصی، تاریخی و جهانی تقسیم کرد. بخش مهمی از ادبیات پارسی همچون آثار رودکی، فردوسی، سنایی، نظامی، سعدی، مولوی، صائب و بیدل.. همه جهانی به شمار می‌روند و بر روی ادبیات جهانی، سبک‌ها و مکتب‌های ادبی تأثیر گذارند.

در حوزه‌ی اشتراکات ادبی ایران با دیگر کشورها نیز می‌توان از حافظ و ابن‌فارض، حافظ و گوته، سعدی و مونتینی، سعدی و شکسپیر، مولوی و اقبال، مارینو و صائب، بیدل و سپهری، فردوسی و هومر و غیره نام برد. در واقع وجوه مشترک آثار این شخصیت‌های بزرگ ادبیات جهانی را راهبری کرده است (همان، ۱۳۸۲).

##### ۵-۱-۱- حافظ و گوته

گوته پیش از این‌که از «ادبیات جهانی» حرفی به میان آورد، دیوان غربی-شرقی خود را با الهام از ترجمه‌ی غزلیات حافظ منتشر کرد. (فیروزآبادی، ۱۳۸۸)

در اواخر قرن هجدهم میلادی شعر حافظ در اروپای غربی و شرقی شهرت یافت. آشنایی اروپاییان با این شاعر بزرگ شرقی از ترجمه‌های شرق‌شناسی به نام «رویتسکی»<sup>۱</sup> آغاز شد. پس از مدت کوتاهی در لهستان و انگلیس نیز اشعار حافظ را ترجمه کردند و ترجمه‌های انگلیسی «ریچاردسون»<sup>۲</sup> و «جونس»<sup>۳</sup> از شعر حافظ، بر رماتیک‌های انگلیسی، از جمله «بایرون»<sup>۴</sup> و «شلی»<sup>۵</sup> چنان تأثیر گذاشته بود که سبب تغییر نگرش و جهان‌بینی آنان، از ماتریالیسم راسیونالیستی به پانتئیسم متافیزیکی شده بود.

- 1 Ravitsky
- 2 Richardson
- 3 Jones
- 4 Byron
- 5 Shelley

در اوایل قرن نوزدهم در آلمان که برای نخستین بار در اروپا، دیوان کامل اشعار حافظ منتشر شد؛ ترجمه‌ی منثور، به قلم «هامر پورهنتال و ترجمه‌ی منظوم کار «روزنسوئه شوآنانون»؛ هم‌چنین در آلمان، از طریق «دیوان غربی و شرقی» «گوتته» بود که حافظ، شکوه‌مندانه به عرصه‌ی جهانی گام گذاشت.» (مالنکا، ۱۳۸۶)

گنجینه‌های ادبی و فلسفی ایرانی همچون ادبیات کلاسیک اروپا مملو از جنبه‌های بشردوستی است. آوازه‌ی شاعران بزرگ ایرانی همچون سعدی و حافظ نه تنها در ایران که در آسیا و اروپا نیز پیچیده است. در واقع برای افکار این شعرا بزرگ محدودیتی وجود ندارد. این‌ها نه تنها شاعران شیراز که شاعران کل جهان‌اند. تأثیرات شعر حافظ را می‌توان در آثار گوتته شاعر آلمانی به خوبی مشاهده کرد. (گروسه، ۱۳۳۴)

## ۵-۲- ادبیات و چالش‌های پیش رو

از نظر دیوید دمراش امروزه ادبیات با سه چالش اساسی مواجه است:

نخست تنشی که همواره میان آثار شاخص و ادبیات هنری و عامه پسند در سطح وسیع‌تر وجود دارد.

دوم تغییر جهت مردم از خواندن ادبیات در عصر اینترنت است. آن‌ها تنها به تلفن‌های همراه و بازی‌های کامپیوتری و غیره متکی هستند. اما با این حال او فکر می‌کند اکنون زمان بسیار امیدوارکننده‌ای برای نویسندگان است تا به رواج ادبیات کمک کنند. سوم او معتقد است در حال حاضر ادبیات وارد فضایی چندرسانه‌ای شده است. در واقع ادبیات به شکلی که تاکنون وجود داشته دیگر عمر خود را کرده است. بسیاری از انواع ادبی برای خوانش انفرادی نیستند. ادبیات همواره جزئی از جهان اجتماعی بوده است. کمالینکه در امپراطوری تانگ شاعران گرد هم می‌آمدند یا شعر کاربرد هدیه یا احوالپرسی داشت. به تعبیری دیگر شاعری بیش از یک احساس لذت زیبایی‌شناسانه‌ی محض، رسانه‌ای برای تعامل و تبادل اجتماعی بود. (دمراش، ۲۰۱۱)

از سویی امروزه فرهنگ و اقتصاد با شتابی مداوم به سوی جهانی‌شدن پیش می‌رود. اثر ادبی جهانی مرزهای فرهنگی قلمرو مبدأ را درمی‌نوردد و پا به دنیای جدیدی می‌گذارد که در این جا مخاطب‌هایی از زبان‌ها، فرهنگ‌ها و نژادهای مختلف دارد. در گذشته «ادبیات از مرکز کلان‌شهرها به بیرون و مستعمرات پیرامون در حرکت بود.» (دمراش، ۱۳۹۷: ۱۶۴). مثلاً خواندن دیکنز در هند و سروانتس در آرژانتین ضروری بود. برعکس آثار ادبی کشورهای مستعمره به ندرت در کشور استعمارگر مطرح می‌شد. اما اکنون ادبیات در جهانی حرکتی همه‌جانبه دارد و حتی آثار ادبی کشورهای بسیار کوچک نیز مخاطبانی از سراسر جهان یافته‌اند. (دمراش، ۱۳۹۷)

دمراش در مواجهه با ادبیات جهانی و چالش‌هایی که پیش رو دارد راهکارهای مختلفی را ارائه می‌دهد. یکی از راهکارها این است که نویسنده بدون توجه به فرهنگ‌های دیگر تنها درصدد بیان ویژگی‌ها و جزئیات فرهنگی بومی خودش باشد که ممکن است برای خواننده‌ای از فرهنگ دیگر ناآشنا به نظر برسد. مانند آثار اولیه بورخس<sup>۱</sup> که بیان جزئیات و واژگان بومی در آن اهمیت داشت. راهکارهای مختلفی در این زمینه وجود دارد که از مطرح کردن همه‌ی آن‌ها اجتناب می‌شود.

اما شاید متفاوت‌ترین و قابل بحث‌ترین راهکار مواجهه با ادبیات جهانی از نظر دمراش دیدگاه بوم-جهانی<sup>۲</sup> باشد. این واژه که ترکیبی است از واژه‌ی جهانی و بوم در دیکشنری آکسفورد به معنای « منعکس کردن ملاحظات بومی و جهانی با هم» است. ایده‌ی این واژه در دهه‌ی ۸۰ مطرح شد و در اوایل دهه‌ی ۹۰ میان گروه‌هایی رواج پیدا کرد که شعارشان این بود: «در سطح جهان فکر کنید و در سطح بوم، عمل»<sup>۳</sup>. اشاره به افرادی دارد که با در نظر گرفتن سلامت سیاره‌ی زمین، در شهر یا بوم خودشان فعالیت می‌کنند.

بنا بر نظر دمراش و در توضیح راهکار «بوم-جهانی» دو دیدگاه قابل طرح است: دیدگاه از «درون به برون» و دیدگاه «از برون به درون». به این معنی که خالقان آثار ادبی می‌توانند مضامین بومی را برای مخاطب جهانی مطرح کنند، یعنی از قلمرو خودشان بیرون بروند، «یا می‌توانند بر جریانی از بیرون به درون تکیه کنند و جغرافیای خود را به شکل خرده جهانی نشان بدهند با بده بستان‌هایی جهانی»<sup>۴</sup>. (۱۳۹۷: ۱۶۹).

برای مثال در ادبیات نویسنده‌هایی مانند والکوت<sup>۵</sup> با پذیرا بودن نسبت به ویژگی‌ها و فرهنگ بومی کشور خود آن‌ها را مطرح می‌کند اما این کار را به طریقی انجام می‌دهد که به خواننده بیاموزد. برای همین ممکن است یک واژه‌ی بومی را به شکل‌های مختلفی در متن به کار ببرد یا توضیح دهد. یا کیپلینگ<sup>۵</sup> سعی دارد بوم را در جهان معرفی کند. در حالی که برای مثال پاموک با وجود بیان محتوایی صد در صد بومی، فرم و دیدگاه نوشته‌هایش بین‌المللی است.

1 Jorge Louis Borges

2 Glocal (global-local)

3 Think globally act locally

4 Derek Walcott

5 Rudyard Kipling

## ۶- نقش ادبیات در گفتگوی تمدن‌ها

زبان ماده‌ی اصلی ادبیات را تشکیل می‌دهد و خود یک پدیده‌ی اجتماعی است پس می‌توان نتیجه گرفت که ادبیات ابزاری است برای ارتباط اجتماعی. از طریق ادبیات می‌توان با فرهنگ‌های ملل مختلف آشنا شد و به درک و شناختی از کشورهای مختلف رسید که این خود به یافتن اشتراکات و وجوه افتراق کمک می‌کند. اکنون سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا گوناگونی زبان‌ها و تفاوت کمی و کیفی آثاری که به هریک از این زبان‌ها خلق شده، نقش ادبیات کشورهای مختلف را در عرصه‌ی گفتگوی تمدن‌ها تحت تأثیر قرار نمی‌دهد؟

صفوی در پاسخ به این سوال می‌گوید: وقتی ما درباره‌ی ابزار ایجاد ارتباط سخن می‌گوییم، مفهوم کلی زبان مد نظرمان است. این که کدام زبان سخن گوی بیشتری دارد، قدمت بیشتری دارد یا کاربرد آن وسیع‌تر است مدنظر نیست. به این ترتیب و در مفهوم جهانی ادبیات دیگر این موضوع که شعری به فارسی است یا شاعری قطعه‌ای را به آلمانی سروده نمی‌تواند در ارتباط گسترده جهانی، موضوع قابل بحثی باشد. این جاست که می‌بینیم شاعری مثل حافظ بر شاعری مثل گوته تأثیری عمیق می‌گذارد، یعنی اندیشه مشخصی با اختلاف زمانی چند صد سال به اندیشه‌ای تبدیل می‌شود که مجدداً می‌تواند در سروده‌ی دیگری نمایان شود. بنابراین دیدگاه می‌توان ادبیات را در بستر گفت‌وگوی تمدن‌ها قرار دهیم. نتیجه این است که «دیگر حافظ فقط مال ما نیست، یا گوته فقط متعلق به آلمانی‌ها نیست، شکسپیر را نیز نمی‌توان فقط متعلق به انگلیسی‌ها دانست، حافظ همان قدر که به ما تعلق دارد به آلمان نیز متعلق است و دیوان شرقی گوته نیز از آن ماست و من همان قدر می‌توانم به وجود حافظ افتخار کنم که به وجود گوته با شکسپیر. و همه‌ی این‌ها تبدیل به مشترکات ادبی دنیا می‌شود» (صفوی، ۱۳۷۹).

از سویی او تمدن را از دو دیدگاه خرد و کلان مورد بررسی قرار می‌دهد: «تمدن» در آن معنی که تمدن کلان می‌نامیم به نظر می‌رسد که یکی بیشتر نباشد، به این ترتیب که تمامی مردم در طول تاریخ در جای جای کره‌ی زمین یافته‌های تجربی و اندیشه‌گی خود را در کنار هم گذاشته‌اند تا تمدن به وجود آمد» صفوی این نوع از تمدن را «تمدن جهانی» یا «تمدن کلان» می‌نامد. «آتش کشف می‌شود، دیگ بخار ساخته می‌شود و در مجموع آن چه که تمدن امروزی نامیده می‌شود بر پایه این مساعی شکل می‌گیرد.» (۱۳۷۹: ۳۱).

بنابراین ادبیات جهانی در ذات خود، گفتگو میان فرهنگ‌های مختلفی است که با گفتن و اندیشیدن وجوه اشتراک و افتراق خود را محک می‌زنند.

## ۷- نتیجه‌گیری

چنان که بیان شد امروزه نقش رسانه‌های الکترونیکی جدید به‌ویژه اینترنت در راه‌یابی آثار ادبی ملل گوناگون به عرصه‌های جهانی انکارکردنی نیست. با این وجود ادبیات و به خصوص ادبیات جهانی هنوز هم به عنوان پدیده‌ای اجتماعی از ارزش و اعتبار برخوردار است. ادبیات جهانی به واسطه‌ی ماهیت متکثرش در ایجاد گفتگو میان ملت‌های مختلف نقش مهمی را ایفا می‌کند. در این مقاله تلاش گردید به معرفی گوشه‌ای از ابعاد گسترده‌ی ادبیات جهانی پرداخته شود. به بیان ساده وقتی ادبیات از مرزهای ملی فراتر می‌رود یا به عرصه‌ی جدیدی می‌نهد که ادبیات جهانی نام دارد. از سخنان گوته چنین بر می‌آید که ادیبان کشورهای مختلف باید یکدیگر را بشناسند و این برای هر کشوری منفعت‌هایی به همراه دارد. علاوه بر این که این مسئله حسی از همدلی میان جوامع بوجود می‌آورد چرا که بنابر تعریف، ادبیات آینه‌ی دغدغه‌های هر ملتی است.

عواملی که به ادبیات جهانی اهمیت و اعتبار می‌بخشند بنا بر آن چه در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت عبارتند از:

۱. غنای ادبیات ایران و ظرفیت‌های بی‌شمار آن برای جهانی شدن که از آن جمله می‌توان به جهانی شدن حافظ از طریق گوته اشاره کرد.

۲. چالش‌های پیش روی ادبیات و راهکارهای مختلف مواجهه با ادبیات جهانی

همه‌ی این عوامل به علاوه‌ی نقش ادبیات جهانی در گفتگوی تمدن‌ها که به طور مختصر به آن اشاره شد، راه را برای معرفی ادبیات ملی به جهان و به طور کلی برای ورود به گفتگو با جهان هموار می‌کند. در این راستا نیاز به مجموعه‌ای است که بتواند ارتباطات مستقیم و رودررو را میان اهل قلم میسر کرده و امکان تبادل افکار و تعامل آن‌ها را نه تنها در ایران بلکه فراتر از آن در سطحی جهانی مورد توجه قرار دهد. با توجه به پژوهش‌های میدانی انجام شده تاکنون طرح کالبدی‌ای که بتواند ویژگی‌های گفته شده را در قالب معماری جای دهد انجام نشده است. لذا فقدان مکانی که به تعاملات و تبادلات ادبی بپردازد، به خصوص در ایران احساس می‌شود. ایران به عنوان کشوری که از ادبیات غنی‌ای برخوردار است می‌تواند با ایفای نقش در سطح جهانی آثار خود را به دنیا عرضه کرده و نیز از تجربیات آن‌ها استفاده کند.

## منابع

۱. امینیان طوسی، امیر (۱۳۹۵)، «فرارشته‌ای گزارشی از انجمن ادبیات جهانی و مؤسسه‌ی ادبیات جهانی»، فصلنامه هنر زبان، دوره‌ی ۱، شماره‌ی ۱، صص ۸۱-۱۰۲
۲. انوشیروانی، علی‌رضا (۱۳۹۲)، «ادبیات جهان در دانشگاه هاروارد»، مجله ادبیات تطبیقی (فرهنگستان زبان و ادب فارسی)، صص ۱۷۶-۱۷۲
۳. آزرمی، احمد (۱۳۵۵)، «ادبیات از دید جهانی»، مجله ارمنان، دوره‌ی ۴۵، شماره‌ی ۴، صص ۲۴۰-۲۲۹
۴. تیم‌داری، احمد (۱۳۸۲)، «گسترش زبان و ادبیات فارسی چشم‌انداز سده آینده»، فصلنامه متن‌پژوهی ادبی، دوره‌ی ۷، شماره‌ی ۱۸، صص ۸۳-۷۴
۵. دمراش، دیوید (۱۳۹۷)، «ادبیات جهان را چگونه بخوانیم؟»، چاپ دوم، تهران: نشر چشمه
۶. زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۷۴)، «آشنایی با نقد ادبی»، چاپ نهم، تهران: انتشارات سخن
۷. صبوری، داریوش (۱۳۷۸)، «بر کران بی کران (نگاهی به شعر معاصر فارسی)»، چاپ دوم، تهران: انتشارات سخن
۸. صفوی، کوروش (۱۳۷۹)، «ادبیات و گفتگوی تمدن‌ها»، ماهنامه آزما، شماره ۶، صص ۳۲-۳۰
۹. غنیمی‌هلال، محمد (۱۳۷۳)، «ادبیات تطبیقی»، ترجمه‌ی سید مرتضی آیت‌الله زاده شیرازی، چاپ دوم، تهران: امیرکبیر.
۱۰. فیروزآبادی سیدسعید (۱۳۸۸)، «گوته و مفهوم ادبیات جهانی»، فصلنامه مطالعات ادبیات تطبیقی، سال سوم، شماره ۱۲، صص ۹۱-۱۰۴
۱۱. کلبرگ، میشل (۱۳۹۴)، «ادبیات در جست‌وجوی حقیقت؛ گزارشی از نشست نقد و بررسی «کمونیست‌های موم‌تر و داستان‌های دیگر»، پیک پیدایش / بزرگسال، سال ششم، شماره ۲، صص ۶-۷
۱۲. گروسه، رنه (۱۳۳۴)، «روح ایران و بشردوستی»، ترجمه احمد احمدی، مجله ی یغما، صص ۴۴۹-۴۵۲
۱۳. مالنکا، تیتانا (۱۳۸۶)، «شعر حافظ شیرازی در اروپا و اوکراین (ترجمه‌ها، تحقیق‌ها و برداشت‌ها)»، سخن عشق، صص ۳۳-۳۴
۱۴. یوست، فرانسوا (۱۳۸۷)، «مفهوم ادبیات جهان»، ترجمه علیرضا انوشیروانی، فصلنامه مطالعات ادبیات تطبیقی، دوره ۲، شماره ۵، صص ۵۶-۳۷
15. Brown, M. (2011). Encountering the World, *Neohelicon*, 38, pp. 365-349.
16. Corbineau, H. (2004). Einführung in die Komparatistik. Berlin: ESV Verlag.
17. Damrosch, D. (2003). What is World Literature? Princeton University Press.
18. Damrosch, D., Wang, N. (2011) What Is World Literature? Aril: A review of international english literature. pp. 190-171.
19. Eckermann, J. (1975). Gespräche mit Goethe. Wiesbaden: Brockhaus.
20. Goethe, J. (1960). Gesamtwerk. Berlin: Aufbau Verlag.
21. The institute for World Literature. Department of comparative literature, Harvard University. Retrieved from : <https://iwl.fas.harvard.edu/pages/about>

### گفتگوی حضوری

۲۲. سالاروند، فاطمه (۱۳۹۸/۴/۱۴)، گفتگوی حضوری. شغل: شاعر، قائم مقام دفتر شاعران جوان، انجمن شاعران ایران.



# World Architecture Center; A window to have dialogue with the world

Zahra MoeiniManesh<sup>1</sup>, Simon Ayvazian<sup>2</sup>

## Abstract

Today despite of ever-increasing progress of electronic media, Literature is still of a great importance. World Literature with its comprehensive and multidisciplinary nature, has provided the context for many literary surveys. In this regard, there is a need to a center that makes it possible for the nations to convey their thoughts and have interaction with each other. The present article approaches the importance and goals of World Literature firstly with a review of the nature of World Literature through different theories. In the end, concisely refers to the role of World Literature on dialogue among civilizations. The article is descriptive analytics and its method of doing is field and library research. According to the research results it can be claimed that World Literature is not only contrasted with National Literature, but also tries to open a way for mutual interaction among different nations through developing knowledge of various world literature. It is therefore recommended to design an architectural space which addresses this issue.

**Keywords:** World Literature, Literature, Dialogue, Goethe, World



1- Master of Architecture engineering, Faculty of Art and Architecture, Khatam University, Tehran, Iran

2- Professor of college of Fine Arts, University of Tehran, Tehran, Iran

